

بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و رضایت زناشویی در زوجین شهر کرمان

سوده مقصودی^۱ سعید معیدفر^۲ محمد توکل^۳

(تاریخ دریافت ۱۳۹۰/۵/۱، تاریخ پذیرش ۱۳۹۰/۸/۱۴)

چکیده

رضایت زن و مرد از زندگی مشترک اختلافات درون خانواده را کم می‌کند و محیط مناسب و سالمی را در خانه برای فرزندان به وجود می‌آورد. بر این اساس، آگاهی از عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هدف این تحقیق بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و رضایت زناشویی میان زنان و مردان متأهل شهر کرمان است. روش تحقیق پیمایشی و جامعه آماری مورد مطالعه شامل زنان و مردان متأهل ۱۸-۴۵ ساله است که ۳۸۲ نفر از این جمعیت به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه انتخاب شده‌اند. برای سنجش رضایت زناشویی از پرسش‌نامه استاندارد شده انریچ^۴ و برای سنجش سرمایه اجتماعی از پرسش‌نامه خودساخته‌ای بر اساس تلفیق نظریه‌های نان‌لین و کلمن در شش بعد سرمایه درون‌گروهی، برون‌گروهی و فراگروهی ساختاری و درون‌گروهی، برون‌گروهی و فراگروهی شناختی استفاده شده است. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین رضایت زناشویی و متغیرهای سرمایه درون‌گروهی، برون‌گروهی و فراگروهی شناختی، درون‌گروهی و برون‌گروهی ساختاری، منزلت فرد در روابط قدرت خانواده، احساس

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی و عضو گروه‌های پژوهشی جامعه‌شناختی مطالعات شهری- روستایی و مسائل زنان و خانواده دانشگاه شهید باهنر کرمان، SMaghsoodi@uk.ac.ir
۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران
۳. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

4 Enrich

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰

رضایت از زندگی، سن و درآمد همسر رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین رضایت زناشویی زنان و مردان تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان می‌دهد که از میان ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی و سایر متغیرها چهار متغیر سرمایه درون‌گروهی شناختی، برون‌گروهی شناختی و منزلت فرد در روابط قدرت خانواده مهم‌ترین تبیین‌کننده‌های رضایت همسران از یکدیگرند.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، رضایت زناشویی، زنان و مردان متأهل، کرمان.

بیان مسئله

زوج‌های جوان مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی و تولیدکنندگان نسل آینده‌اند. نسلی که باید برای رشد و توسعه جامعه از سلامت جسمانی و روانی برخوردار باشد. لازمه این سلامت نیز برخورداری از حداقل رضایت در امور زناشویی است. به این دلیل آگاهی و اطلاع از عوامل این رضایت، از جمله میزان سرمایه اجتماعی و دانستن نوع ارتباط آن با رضایت زناشویی برای هر نوع برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگی لازم و ضروری است. پیامدهای مثبت افزایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای منفی ناشی از کاهش آن از سوی پژوهشگران به اثبات رسیده است. در این پژوهش‌ها سرمایه اجتماعی اساس هویت، شناسایی و اعتبار جامعه معرفی شده است. علاوه بر این، ثابت شده که افزایش سطح بی‌اعتمادی در خانواده و جامعه موجب کاهش تعهد اجتماعی، کاهش همکاری و مشارکت اجتماعی و افزایش آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

برخی از جامعه‌شناسان نیز در تحقیقات خود نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی در خانواده باعث فراهم‌آوردن شبکه حمایت برای اعضای خانواده می‌شود که در صورت فقدان آن معضلات عدیده‌ای گریبان‌گیر جامعه خواهد شد (لین، ۲۰۰۷: ۵). وجود سرمایه اجتماعی در خانواده موجب آرامش در خانه بین زوجین، فرزندان و والدین و حتی خویشاوندان و همسایگان آن‌ها می‌شود و زمینه اعتماد و سرمایه اجتماعی را در سطح جامعه فراهم خواهد کرد. به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی به‌خصوص در عرصه خانواده تأثیر وقایع منفی زندگی (مانند از دست دادن شغل) را کاهش می‌دهد و مشکلات طولانی‌مدت (همچون بیماری‌های جسمی و روانی مزمن) را قابل تحمل می‌کند که همه این عوامل به استحکام خانواده می‌انجامد. پژوهش‌های بسیاری تأثیر وجود شبکه‌های اجتماعی را بر رضایت زناشویی تصدیق کرده‌اند (فلنری، ۱۹۹۰؛ کوینه و دلونگیس، ۱۹۸۶؛ اوبرادووی، ۲۰۰۵؛ ونوی و کوپین، ۲۰۰۱؛ مککابه، ۱۹۹۷؛ هارپر و دیگران، ۲۰۰۰؛ بودنمن، ۱۹۹۷؛ فلنری، ۱۹۹۰؛ ابردن، ۲۰۰۵).

البته رابطه این دو متغیر مدت اندکی است که مورد توجه قرار گرفته، اما تحقیقات در همین مدت ثابت کرده‌اند که عناصر سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، عمل متقابل و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه با رضایت از زندگی خانوادگی و زناشویی رابطه دارند. از سوی دیگر، گرایش جامعه ایران به شهرنشینی، مدرنیته، فردگرایی و آگاهی زنان از حقوق خود موجب شیوع طلاق و اختلافات زناشویی شده است. همچنین نتایج چندین پژوهش در ایران نشان می‌دهند که در سال‌های اخیر سرمایه اجتماعی درون خانواده کاهش یافته و در عوض نرخ طلاق به شدت افزایش پیدا کرده است (شکرپیگی، ۱۳۸۶: ۱۵ و آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۲۹). از سوی دیگر، در سال‌های گذشته میزان طلاق در استان کرمان به شدت افزایش یافته است. به طوری که رئیس مجتمع قضایی خانواده در دادگستری کرمان در سال ۸۹ اعلام کرد که تقریباً در هر ماه ۱۰۰ خانواده از هم پاشیده می‌شود و در سال بیش از ۱۲۰۰ خانواده کانون خود را از دست می‌دهند. در همین گزارش دلایل اصلی طلاق در استان کرمان بیکاری، اعتیاد، عدم اعتماد و صداقت زوجین به یکدیگر، دخالت و عدم حمایت والدین از فرزندان ازدواج کرده، مشکلات روحی و روانی زوجین و ناآگاهی همسران از مهارت‌های زندگی زناشویی ذکر شده است. گفته می‌شود که بیشتر این طلاق‌ها بین همسران جوان و تحصیل کرده دیده می‌شود. درحقیقت، ۳۰ درصد از متقاضیان طلاق در کرمان زوج‌های جوانی هستند که فقط دو یا سه سال از ازدواجشان گذشته است. مدیر اداره کل ثبت احوال استان کرمان نیز از کاهش ۸/۳ درصدی آمار ازدواج طی ۴ ماهه اول ۱۳۸۹ و رشد ۲۷/۲ درصدی طلاق نسبت به سال قبل خبر داد. بر این اساس، طی ۸ ماهه نخست سال جاری به ازای هر ۱۴ فقره ازدواج یک فقره طلاق ثبت شده است. بر اساس این گزارش، در سال ۸۹ به طور میانگین ۳۵۰ زوج در هر ماه برای جدایی به مجتمع قضایی خانواده کرمان مراجعه کرده‌اند و هرچند کرمان جزء چهار استان مذهبی کشور به شمار می‌رود، از نظر طلاق در رده دهم قرار دارد که این امر موجب نواخته شدن زنگ خطر و نگرانی خانواده‌ها و مسئولان این خطه شده است. به نظر می‌رسد که همسران زیادی هستند که در این منطقه از زندگی زناشویی خود رضایت چندانی ندارند (دادگستری استان کرمان، ۱۳۹۰).

درحالی‌که در ایران پژوهش‌های متعددی با موضوع رضایت زناشویی صورت گرفته، اما تقریباً هیچ تحقیقی درخصوص سرمایه اجتماعی و رضایت زناشویی انجام نشده است. بنابراین، ضرورت تحقیق درباره سرمایه اجتماعی در خانواده به خوبی احساس می‌شود. بر این اساس، مسئله پژوهش حاضر این است که زنان و مردان متأهل شهر کرمان در بهره‌مندی از سرمایه

اجتماعی تا چه حد تفاوت دارند؟ و آیا این تفاوت سرمایه اجتماعی در بهره‌مندی ایشان از رضایت زناشویی مؤثر است یا خیر؟ به نظر می‌رسد انجام پژوهشی از این نوع در نهادی چون خانواده که پایه و اساس نگرش فرد در آینده را تشکیل می‌دهد ضروری باشد.

اهداف پژوهش

- بررسی سرمایه اجتماعی بین زوجین جوان و ارتباط آن با رضایت زناشویی‌شان در شهر کرمان
- سنجش سرمایه اجتماعی در ابعاد شناختی و ساختاری و ابعاد درون‌گروهی، برون‌گروهی و فراگروهی
- سنجش میزان رضایت زناشویی خانواده‌های تحت مطالعه شهر کرمان
- بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و برخی متغیرهای زمینه‌ای نظیر سن زوجین، شغل، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و...
- بررسی تفاوت زوجین در بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی و رضایت زناشویی

سوابق پژوهش

تاکنون مطالعه منسجمی در مورد تأثیر سرمایه اجتماعی بر رضایت زناشویی در ایران انجام نشده، اما تحقیقاتی با موضوعات مشابه آن صورت پذیرفته است. به طور مثال، ثابت شده که حمایت اجتماعی که از عناصر سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود در رضایت همسران از هم مؤثر است. چندین مطالعه نقش این عامل را تأیید کرده‌اند (فلنری، ۱۹۹۰؛ کاینه و دلونگیس، ۱۹۸۶؛ اوبرادون، ۲۰۰۵؛ وانویاند کوبینز، ۲۰۰۱؛ مک‌کابه، ۱۹۹۷؛ هارپر و دیگران، ۲۰۰۰؛ بودنمن، ۱۹۹۷).

در پژوهشی تأثیرات مثبت حمایت اجتماعی بر رضایت زناشویی در جامعه چین تأیید شد و مشخص گردید که این نوع حمایت هم بر زنان و هم بر شوهرانشان تأثیر مثبت و مفیدی دارد. به طوری که یی^۱ و همکارانش به این نتیجه رسیدند که رضایت زناشویی در تایوان با نظام حمایتی خانواده و جامعه ارتباط دارد. آن‌ها همچنین متوجه شدند که این نوع حمایت با سایر جنبه‌های رضایت (مانند اقتصاد خانواده، رضایت از مدیریت مالی خانواده و رضایت از تحصیلات

فرزندان) رابطه دارد. اخیراً هم لایی^۱ (۲۰۰۵: ۸۵) در هنگ‌کنگ مطالعه‌ای را انجام داد که نشان می‌داد هم زنان و هم مردان متأهل از حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی‌شان نفع می‌برند. پژوهش دیگری نیز نشان می‌دهد که تأثیر حمایت اجتماعی بر رضایت زناشویی برای زنان بیشتر از شوهرانشان است. در واقع، همسران بیشتر از شوهرانشان از حمایت اجتماعی نفع می‌برند و نهایتاً رضایت زناشویی بالاتری داشتند (بردبری و دیگران، ۲۰۰۰: ۹۷۵). سون و همکارانش (۲۰۰۸) در پژوهشی در تایوان متوجه شدند که مشارکت اجتماعی نیز نقش مهمی در تماس‌های روزانه همسران و رضایت زناشویی آن‌ها دارد. پژوهشی نیز در سال ۲۰۰۱ به همت نان لین در چین انجام شد که نشان می‌داد قیود خویشاوندی برای زنان مهم‌تر است و با دسترسی به سرمایه اجتماعی رابطه مثبت دارد (لین، دن و ینگ، ۲۰۰۷: ۲۰).

به طور کلی، در پژوهش لین و همکارانش روابط بین رضایت زناشویی و حمایت اجتماعی در چین تأیید شد. همان‌طور که انتظار می‌رفت، قیود اجتماعی خویشاوندی با رضایت زناشویی ارتباط داشت که مهم‌ترین دلیل آن نیز تعداد و کمیت تماس‌های روزانه افراد بود که این تأثیر را افزایش می‌داد. این یافته‌ها و رابطه بین حمایت اجتماعی و رضایت زناشویی را نان لین در امریکا و تایوان نیز تأیید کرد (لین و دیگران، ۲۰۰۷: ۲۴).

در ایران نیز پژوهشی به همت سوسن باستانی در مورد خانواده و حمایت اجتماعی انجام شد. او بر شش بعد حمایت اجتماعی شامل مشورت، کمک‌های عاطفی، خدمات، کمک‌های مالی، اطلاعات، مصاحبت و همنشینی تأکید کرد. او طبقه متوسط سنتی و جدید را در شهر تهران مورد بررسی قرار داد و دریافت که بیشترین میزان حمایت مربوط به مصاحبت و کمترین آن مربوط به اطلاعات است که ویژگی طبقه متوسط ایرانی است. این طبقه اغلب اطلاعاتش را از روزنامه‌ها و رسانه‌های عمومی می‌گیرد و برای کمک مالی هم بیشتر بانک‌ها و مراکز رسمی را انتخاب می‌کند. باستانی پی برد که خویشاوندان نزدیک نقش عمده‌ای در حمایت افراد برعهده دارند. او خانواده متوسط ایرانی را بررسی کرد. در پژوهش باستانی خانواده‌ها همگی شبکه‌های حمایتی داشتند، اما جنسیتی بودن حمایت‌های دریافتی مهم بود. زنان بیشتر منبع حمایت‌های عاطفی و خدمات زنانه و مردان منبع حمایت‌های اطلاعاتی و مالی (مردانه) بودند. او معتقد است دلایل انتخاب خویشان به‌عنوان ابزار حمایت اجتماعی در ایران عبارت‌اند از تغییرات و محدودتر شدن عرصه عمومی پس از پیروزی انقلاب که باعث شد همه‌چیز درون

1 Lai

خانواده رخ دهد؛ میزان بالای جمعیت جوان ایران؛ ساخت متفاوت خانواده و زیادبودن تعداد خواهر و برادران که باعث می‌شود حمایت‌ها فقط از آن‌ها گرفته شود (باستانی، ۱۳۸۶: ۵).

چارچوب نظری

پژوهش‌ها و نظریه‌های زیادی درباره رضایت زناشویی در ایران و جهان ارائه شده است و هر کدام عوامل مؤثر بر این رضایت را پدیده‌ای خاص معرفی کرده‌اند. حدود ۵۰ مطالعه و تحقیق خارجی و داخلی که در سال‌های اخیر انجام شده‌اند نشان می‌دهند که ۶۰ عامل بر رضایت‌مندی زناشویی زوجین تأثیرگذارند که این عوامل را می‌توان به چهار طبقه کلی تقسیم کرد:

۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (سن هنگام ازدواج، فاصله سنی زوجین، سطح تحصیلات، طبقه اجتماعی هریک از زوجین، مسائل مالی، شاغل بودن، استرس‌های شغلی، شاغل بودن هر دو زوج و تأثیر آن، تقسیم کار، تفاوت‌های نژادی، ازدواج‌های بین فرهنگی، ازدواج‌های مجدد، زندگی مشترک پیش از ازدواج، والد بودن یا نبودن، تعداد فرزندان و...).

۲- خصوصیات و عوامل زمینه‌ای فردی (عوامل شخصیتی مؤثر مثل نوروزگرایی، تفاوت شخصیتی، تیپ A و B و تأثیر آن، منبع کنترل، خلق و خو،^۱ ترجیحات شخصی، خودمختاری، وابستگی، علایق جنسی، سبک عاطفی هریک از طرفین، نگرش به زندگی، اهداف شخصی، آرمانی‌سازی، احساس استقلال، نگرش نسبت به جنسیت و...).

۳- فرآیندهای بین فردی (رفتارهای تعاملی، مهارت‌های ارتباطی، سبک‌های حل مسئله و تعارض، کوشش‌های مقابله‌ای، میزان عشق بین زوجین، کیفیت رابطه جنسی، اهداف مشترک، توافق در مسائل مذهبی و اعتقادی، سبک دلبستگی زوجین، آداب خانوادگی، همکاری در مراقبت از نوزاد، صمیمیت، تعهد و...).

۴- وقایع و استرس‌های زندگی (افسردگی مادر، بیماری‌های روانی، بیماری‌های مزمن، فرزند معلول یا مختل از نظر رفتاری، مراقبت از همسر مریض یا معلول، مراقبت از فردی مسن در خانواده، بدگمانی شوهر، بازنشستگی، انسجام خانوادگی، رضایت در طول زندگی، بچه‌های بازگشتی به خانه، دوره آشپانه خالی، نازا بودن، آبستنی، خلق و خوی اولیه کودک، دختر و پسر نوجوان داشتن و الکی بودن همسر) (کیوانلو، ۱۳۸۳: ۱۸۶).

1 Temperament

اگرچه در بررسی رضایت زناشویی در نظر گرفتن همه این عوامل ضروری است، مطالعه همه این عوامل در یک پژوهش امکان پذیر نیست؛ به علاوه، قصد این تحقیق مطالعه رابطه سرمایه اجتماعی با رضایت زناشویی است. لذا سعی شده از نظریه انریچ^۱ استفاده شود. او از بین چهار عامل فوق بر عوامل دوم و سوم (عوامل فردی و فرآیندهای بین فردی) تأکید بیشتری کرده است. بدین ترتیب که رضایت زناشویی از دید او تابع عواملی چون تحریف آرمانی، ویژگی‌های شخصیتی، نحوه ارتباط، توانایی حل تعارض، مدیریت مالی، اوقات فراغت، رابطه زناشویی و جنسی، فرزندپروری، خانواده و دوستان، نقش‌های مساوات طلبانه و جهت‌گیری مذهبی همسران است.

از سوی دیگر، نظریات جامعه‌شناختی متعددی نیز درباره متغیر مستقل تحقیق (سرمایه اجتماعی) ارائه شده است. به طور مثال، نظریات نان لین (۱۹۸۲) در عرصه سرمایه اجتماعی خانواده از شهرت جهانی برخوردار است. طبق نظریه نان لین سرمایه اجتماعی ابزاری است برای تحکیم منابع و دفاع در برابر از دست دادن احتمالی منابع. او سه نوع نتیجه برای سرمایه اجتماعی ذکر می‌کند: سلامت جسمانی، سلامت روانی و رضایت از زندگی. لین معتقد است که روابط اجتماعی هویت و اعتبار را تقویت می‌کند، اطمینان فرد از ارزش خود به‌عنوان عضوی از یک گروه اجتماعی را افزایش می‌دهد و موجبات حمایت عاطفی و تأیید همگانی فرد را نسبت به منابع معین فراهم می‌کند (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۱۱).

لین (۱۹۸۶) سه لایه از قیود اجتماعی را به‌عنوان دواير متحدالمرکز کشف کرد: پیوندی^۲، آوندی^۳، و اتصالی^۴. نان لین ادعا می‌کند که این سه لایه شدت‌های متفاوتی از روابط را برای فرد تعریف می‌کنند. فرد در روابط پیوندی زمان و تلاشش را صرف خانواده و آشنایان نزدیک می‌کند. این روابط به شخص اجازه می‌دهند که هویت اجتماعی‌اش را با گروه‌ها و سازمان‌های بیرونی نیز حفظ کند. در روابط آوندی از حمایت گروه‌های بزرگ‌تر خویشاوندی و همسایگی برخوردار می‌شود و در روابط اتصالی از مزایای عضویت در نهادها و گروه‌های داوطلبانه بهره‌مند می‌گردد. لایه‌های روابط بین انسان‌ها حاکی از درجات متفاوت صمیمیت، تعهد و الزام شخص است. از نظر نان لین لایه‌های بیرونی قیود اجتماعی فرصت‌هایی را به لحاظ ساختاری برای ارتقای لایه‌های درونی ایجاد می‌کنند. از دید او برخورداری از این سه نوع سرمایه و لایه روابط

1 Enrich
2 Bonding
3 Bridging
4 Linking

اجتماعی به خشنودی و رضایت فرد از زندگی خانوادگی‌اش می‌انجامد (لین و دیگران، ۲۰۰۷: ۶).

لین سپس تحقیقی را در سال ۲۰۰۷ به اتمام رساند که نتایجش را در گزارش سالانه انجمن جامعه‌شناسی امریکا ارائه داد. او در آن کنگره به رابطه بین سرمایه اجتماعی و رضایت زناشویی پرداخت و در ارائه فرضیاتش بار دیگر بر همان چارچوب نظری و سه لایه روابط بین انسان‌ها تأکید کرد (لین، دن و ینگ، ۲۰۰۷: ۲۴).

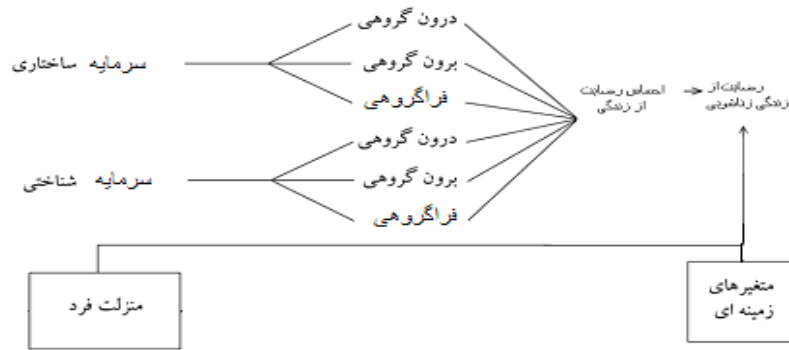
از دید کلمن نیز سرمایه اجتماعی دو جزء دارد: ساختاری و شناختی. سرمایه ساختاری شامل دامنه، حوزه، انبوهی پیوندها و فعالیت‌های مشترک می‌شود، ولی جزء شناختی، تصورات حمایتی، عمل متقابل و اعتماد مشترک را دربرمی‌گیرد. جزء ساختاری در واقع چیزی است که مردم انجام می‌دهند، اما جزء شناختی آن چیزی است که مردم احساس می‌کنند. خانواده همزمان هم سرمایه اجتماعی و هم سلامتی و خوشبختی افرادش را با شکل‌دادن و حفظ پیوندهایش با دیگر مردم حفظ می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۷۵).

چارچوب نظری پژوهش حاضر ترکیبی از نظریه نان لین در مورد نقش سرمایه اجتماعی در خوشبختی و سلامت خانواده از یک سو و نظریه کلمن، یعنی سرمایه اجتماعی ساختاری و شناختی، را مد نظر قرار می‌دهد. از آنجا که نان لین یکی از نظریه‌پردازان مهم و معاصر در زمینه سرمایه اجتماعی در سطح خرد (گروه‌های کوچک) محسوب می‌شود و نیز از آنجا که تحقیقات او در همین زمینه به‌عنوان مرجع و چارچوب نظری در پژوهش‌های سطح خرد مورد استفاده قرار می‌گیرد، محقق سعی می‌کند نظریه سرمایه اجتماعی او را به‌عنوان چارچوب نظری این تحقیق برگزیند. او سعی کرده سرمایه اجتماعی را در چند بعد (درون‌گروهی، برون‌گروهی و فراگروهی) مورد سنجش قرار دهد. محقق در این تحقیق تلاش می‌کند از ترکیب این ابعاد با عناصر سرمایه اجتماعی (ساختاری و شناختی) در نظریه جیمز کلمن به یک تلفیق نظریه دست یابد. همچنین تلاش می‌شود از این دو نظریه در طول تحقیق به‌عنوان هدایتگر راه برای ارائه فرضیات استفاده شود. با ترکیب نظریه نان لین و جیمز کلمن شش نوع سرمایه اجتماعی به دست می‌آید:

۱ - سرمایه درون‌گروهی ساختاری: به روابط غیررسمی، شدید، بادوام و چهره به چهره که درون خانواده وجود دارد اشاره می‌کند و وسعت و شدت پیوندها و روابط درون خانواده را شامل می‌شود. این نوع سرمایه مؤلفه‌های میزان تعاملات بین زوجین، میزان حضورشان در منزل، میزان گفتگو و تفریح و سرگرمی با یکدیگر را دربرمی‌گیرد.

- ۲- سرمایه برون‌گروهی ساختاری: این بعد از سرمایه اجتماعی به روابط عینی و پیوندهای خارج از خانه افراد در درون اجتماع کلی‌تر اشاره دارد و شامل ارتباطات اجتماعی (مانند میزان رفت‌وآمد خانوادگی، بین نسلی و ارتباطات با اقوام، آشنایان و همسایه‌ها) می‌شود.
- ۳- سرمایه درون‌گروهی شناختی: شامل آن بعد از سرمایه است که به حمایت، بده‌بستان، اعتماد، هنجارها و ارزش‌های درون خانواده اشاره دارد و کنش‌های متقابل میان زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این سرمایه شامل مؤلفه‌هایی چون سطح انتظارات زوجین از هم، اعتماد به هم، همبستگی، تعهد و مسئولیت، توافق ارزشی، صداقت و درستکاری در روابط زناشویی و بده‌بستان‌ها، نحوه تقسیم کار خانگی و توافق ارزشی با یکدیگر می‌شود.
- ۴- سرمایه برون‌گروهی شناختی: به بعد دیگری از سرمایه اجتماعی می‌پردازد. در واقع، به آن چیزی که افراد فکر یا احساس می‌کنند (به عنوان مثال آیا آن‌ها به سایر افراد اعتماد می‌کنند؟). این سرمایه شامل اعتماد به دیگران نزدیک و دور خارج از خانواده، همکاری و حمایت اجتماعی با آن‌ها می‌شود (شارع‌پور، ۱۳۸۷: ۱۲۰).
- ۵- سرمایه فراگروهی ساختاری: شامل آن بعد از سرمایه است که به عضویت فرد در گروه‌ها و انجمن دولتی و داوطلبانه اشاره دارد و میزان مشارکت و فعالیت او را در این گروه‌ها مورد سنجش قرار می‌دهد.
- ۶- سرمایه فراگروهی شناختی: این بعد از سرمایه اجتماعی به اعتماد به مؤسسات و نهادهای دولتی و صنفی می‌پردازد و به مؤلفه‌هایی چون میزان اعتماد به گروه‌ها و مشاغل، نهادهای رسمی و سازمان‌های دولتی و در نهایت اعتماد به عموم مردم اختصاص دارد. با توجه به نظریات فوق، پژوهش حاضر ترکیبی از نظریات کلمن و نان لین در مورد سرمایه اجتماعی خانواده و رضایت زناشویی است.

مدل تحلیلی



فرضیات تحقیق

- به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی و رضایت زناشویی زوجین شهر کرمان همبستگی معنی‌داری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد سرمایه درون‌گروهی ساختاری با رضایت زناشویی زوجین شهر کرمان همبستگی معنی‌داری دارد.
- به نظر می‌رسد سرمایه برون‌گروهی ساختاری با رضایت زناشویی زوجین شهر کرمان همبستگی معنی‌داری دارد.
- به نظر می‌رسد سرمایه درون‌گروهی شناختی با رضایت زناشویی زوجین شهر کرمان همبستگی معنی‌داری دارد.
- به نظر می‌رسد سرمایه برون‌گروهی شناختی با رضایت زناشویی زوجین شهر کرمان همبستگی معنی‌داری دارد.
- به نظر می‌رسد سرمایه فراگروهی ساختاری با رضایت زناشویی زوجین شهر کرمان همبستگی معنی‌داری دارد.
- به نظر می‌رسد سرمایه فراگروهی شناختی با رضایت زناشویی زوجین شهر کرمان همبستگی معنی‌داری دارد.
- به نظر می‌رسد زنان و مردان متأهل شهر کرمان در میزان سرمایه اجتماعی با هم تفاوت دارند.

- به نظر می‌رسد زنان و مردان متأهل شهر کرمان در میزان رضایت زناشویی با هم تفاوت دارند.
- به نظر می‌رسد بین رضایت زناشویی زوجین شهر کرمان و متغیرهای زمینه‌ای همبستگی معنی‌داری وجود دارد.

روش تحقیق

به منظور بررسی موضوع این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده است. ابتدا مصاحبه‌های اکتشافی از تعدادی از زوجین در شهر کرمان انجام شد. سپس پرسش‌نامه بر اساس نظریه‌های مربوط به موضوع و نتایج مصاحبه‌های اکتشافی از نمونه مورد مطالعه تهیه گردید و با مراجعه به درب منازل جمع‌آوری اطلاعات صورت گرفت. سازمان ثبت احوال کرمان جامعه آماری (زوجین شهر کرمان که حدود ده سال از ازدواجشان گذشته باشد) را حدود ۴۳۲۰۰۰ نفر اعلام کرده که بر اساس فرمول نمونه‌گیری حجم نمونه‌ای معادل ۳۸۲ نفر در نظر گرفته شده است. گفتنی است که برای مشخص شدن زوجین از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. بدین ترتیب که برای پرکردن پرسش‌نامه‌ها به درب منازل زوجین مراجعه شد و اطلاعات افراد بر اساس نمونه‌گیری تصادفی از بلوک‌ها و پلاک‌ها جمع‌آوری گردید.

ابزار پژوهش و تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق رضایت زناشویی

به منظور انجام پژوهش حاضر از پرسش‌نامه رضایتمندی زناشویی انریچ استفاده شده است. این پرسش‌نامه از ۱۲ خرده‌مقیاس تشکیل شده که شامل تحریف آرمانی، ویژگی‌های شخصیتی، نحوه ارتباط، توانایی حل تعارض، مدیریت مالی، اوقات فراغت، رابطه زناشویی و جنسی، فرزندپروری، خانواده و دوستان، نقش‌های مساوات‌طلبانه و جهت‌گیری مذهبی همسران می‌شود. نمره‌گذاری این پرسش‌نامه به صورت پنج‌گزینه‌ای و با توجه به بار مثبت و منفی گزینه‌ها از ۱ تا ۵ در نوسان است که نمره بالاتر نشانه رضایتمندی بیشتر است. اعتبار پرسش‌نامه انریچ در گزارش اولسون و دراکمن (۱۹۸۹) با میانگین ۰/۷۹ بوده که اعتبار بازآزمایی پرسش‌نامه در فاصله چهار هفته ۰/۸۶ بوده است. از آنجا که اصل پرسش‌نامه انریچ ۱۱ سؤال است و موجب خستگی آزمودنی‌ها می‌شد، تصمیم گرفته شد فرم کوتاه‌تری شامل ۴۷ سؤال که از همبستگی نسبتاً بالایی برخوردار بود انتخاب شود. بنابراین، پس از انتخاب،

مجدداً ضریب اعتبار فرم ۴۷ سؤالی بر روی یک گروه ۴۰ نفره با استفاده از ضریب آلفا محاسبه شد و ضریب اعتبار ۰/۸۴ به دست آمد.

سرمایه اجتماعی

جهت اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی با بهره‌گیری از تلفیق مفاهیم دو نظریه لین و کلمن از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شده است. خلاصه‌ای از نحوه سنجش سرمایه اجتماعی با استفاده از چندین شاخص در این بخش آورده شده است:

متغیر مستقل					
سرمایه اجتماعی					
کیفیت روابط افراد (شناختی)			کمیت روابط افراد (ساختاری)		
فراگروهی	برون گروهی	درون گروهی	فراگروهی	برون گروهی	درون گروهی
- اعتماد به اصناف	* حمایت دیگران دور	*تعامل همسران با هم در قالب اعتماد، صراحت، صداقت، رضایت	*میزان عضویت در گروه‌ها و انجمن‌های داوطلبانه	* میزان ارتباطات فرد خارج از خانواده	* مدت زمان حضور همسران در منزل
- اعتماد به نهادهای رسمی	* گروه‌های خویشاوندی نزدیک	عاطفی و رابطه جنسی، تحمل		* میزان تعامل با همسایه‌ها	- مدت گفتگو با هم
- اعتماد به انجمن‌های داوطلبانه	* اعتماد به همسایه‌ها	انتقاد، توافق ارزشی، انتظارات متقابل، نحوه تقسیم کار خانگی			- تفریح همسران با هم
- اعتماد به عموم مردم					

اعتبار و پایایی

در ابتدا برای سنجش میزان پایایی پرسش‌نامه آن را در اختیار ۴۰ نفر از زوجین شهر کرمان، که به نظر می‌رسید بیشترین شباهت و نزدیکی را به نمونه اصلی تحقیق دارند، قرار دادیم که پس از جمع‌آوری اطلاعات آنان مشخص شد که در همه متغیرها اعم از مستقل و وابسته پایایی بالایی مشاهده می‌شود (آلفای کرونباخ بیشتر از ۰/۶۰). نمونه پایایی متغیرها در جدول زیر آورده شده است. همچنین ضریب پایایی به روش بازآزمایی (اجرای مجدد به فاصله ۳ هفته) ۰/۶۸ گزارش گردیده، لذا با اطمینان می‌توان گفت که پرسش‌نامه از پایایی بالایی برخوردار است. برای سنجش روایی نیز از ضریب کرویت بارتلت در تحلیل عاملی بهره گرفته شد و هر

گزینه‌های که باری کمتر از ۰/۲ داشت حذف گردید. در مجموع ضرایب برای خرده‌مقیاس‌ها بالا بود. جدول زیر خلاصه‌ای از میزان روایی و پایایی متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۱. خلاصه‌ای از میزان اعتبار و پایایی متغیرها

متغیرها	پایایی		روایی	
	ضریب آلفای کرونباخ	ضریب آلفای کرونباخ	کرویت بارتلت	Sig
احساس رضایت از زندگی	۰/۶۱	۰/۶۹	۴۰۱/۲۶۶	۰/۰۰۰
رضایت زناشویی	۰/۸۴	۰/۸۸	۴۵۳۸/۱۸۶	۰/۰۰۰
منزلت خانوادگی	۰/۷۹	۰/۸۶	۲۰۸۸/۳۰	۰/۰۰۰
سرمایه درون گروهی ساختاری	۰/۶۵	۰/۵۲	۸۲/۰۸۳	۰/۰۰۰
سرمایه درون گروهی شناختی	۰/۷۴	۰/۹۱	۴۲۴/۴۳۵	۰/۰۰۰
سرمایه برون گروهی ساختاری	۰/۹۱	۰/۸۲	۱۶۲۵/۴	۰/۰۰۰
سرمایه برون گروهی شناختی	۰/۸۱	۰/۸۷	۲۴۰۳/۱۵	۰/۰۰۰
سرمایه فرا گروهی ساختاری	۰/۸۲	۰/۸۸	۱۶۴۶/۶۴۲	۰/۰۰۰
سرمایه فرا گروهی شناختی	۰/۹۶	۰/۸۸	۵۰۴۷/۱۵۴	۰/۰۰۰

یافته‌ها

۵۰ درصد از پاسخگویان زن و ۵۰ درصد مرد بودند. میانگین سن زنان ۳۳ سال و مردان ۳۶ سال بود. به لحاظ وضعیت مسکن ۵۱ درصد آن‌ها در خانه‌های شخصی، ۳۰ درصد در منازل اجاره‌ای، ۳/۱ درصد در منازل سازمانی، ۳/۹ درصد در منازلی غیر از موارد فوق زندگی می‌کنند. ۳۵/۶ درصد زنان و ۳۵/۶ درصد مردان تحصیلاتی در حد دیپلم داشتند. ۵۴/۹ درصد از پاسخگویان شاغل، ۳۹/۵ درصد خانه‌دار و ۵ درصد نیز بیکار بودند. میانگین سن ازدواج زنان برابر با ۲۱/۰۹ و برای مردان ۲۵/۴۴ سال محاسبه شده است. اغلب زنان (۴۸/۲ درصد) خودشان همسرشان را انتخاب کرده‌اند. ۲۷/۱ درصد آن‌ها توسط والدین و ۱۶/۲ درصد توسط دوستان و آشنایان با هم آشنا شده‌اند. در مورد مردان نیز ۶۴/۶ درصد آن‌ها خودشان همسرشان را انتخاب کرده‌اند. ۱۵/۶ درصد توسط والدین و تنها ۸/۹ درصد به وسیله دوستان و آشنایان با هم آشنا شده‌اند. میانگین درآمد سالانه زنان ۴۲۱/۵۹۳ و مردان ۴۵۲/۸۴۴ تومان بوده است. در طبقه‌بندی شغلی بیشترین فراوانی مربوط به امور خدماتی (۲۰/۶ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به مدیران عالی‌رتبه (۲ درصد) بوده است. ۲۹/۳ درصد افراد به پایگاه بالا، ۳۶/۴ درصد به پایگاه متوسط و ۳۴/۳ درصد به پایگاه پایین تعلق داشتند. در مجموع،

بیشتر افراد در پایگاه متوسط قرار گرفته‌اند. در مورد متغیر وابسته پژوهش میانگین رضایت زناشویی ۲/۳۴ به دست آمد که در حد متوسطی است. داده‌ها نشان می‌دهند که زنان و شوهران اغلب رضایتی در حد متوسط از اوضاع زندگی زناشویی‌شان دارند (۶۲/۸ درصد). متغیر مستقل اصلی تحقیق نیز سرمایه اجتماعی خانواده بود که میانگینش در حد ۲/۰۹ ذکر شده، یعنی در حد پایینی است. میانگین نمره افراد در متغیر احساس آسودگی خیال و رضایت از زندگی ۲/۸۵ یعنی در حد متوسط است. در مورد متغیر منزلت فرد در روابط قدرت خانواده بیشتر افراد منزلتی در حد متوسط داشتند (۵۳/۹ درصد). یکی از مهم‌ترین متغیرهای تحقیق سرمایه درون‌گروهی شناختی است که روابط و تعاملات زن و شوهر با یکدیگر را می‌سنجید. این متغیر که شامل مؤلفه‌های اعتماد زوجین به هم، صداقت، صمیمیت، نحوه تقسیم کار خانگی، تعهد و مسئولیت، انتظارات متقابل، فداکاری، انتقادپذیری و توافق ارزشی می‌شد در بین پاسخگویان از آمار چندان بالایی برخوردار نیست و با توجه به میانگین که ۲/۴۵ است می‌توان گفت سرمایه اجتماعی خانواده بین زوجین در حد متوسطی است. سرمایه درون‌گروهی ساختاری نیز در این تحقیق شامل مدت زمان حضور همسران در منزل برای هم، مدت گفتگو و مدت زمان تفریح کردن همسران با یکدیگر می‌شد. آمارها میانگین این متغیر را ۲/۱۱ ذکر کرده‌اند که کم است. درباره متغیر سرمایه برون‌گروهی ساختاری باید گفت که این سرمایه شامل میزان تماس‌ها و ارتباطات فرد در خارج از خانواده مثل (تکان دادن سر، بلندکردن دست به نشانه سلام، مکالمه حضوری و تلفنی و...)، میزان حمایت اجتماعی دریافتی از دیگران نزدیک و تعامل با همسایه‌ها می‌شود. میانگین این متغیر ۱/۳۷ است که در حد بسیار پایینی است. متغیر دیگر سرمایه برون‌گروهی شناختی است و شامل حمایت و اعتماد به دیگران مانند اقوام دور، دوستان، همکاران و هم‌ولایتی‌ها است. میانگین این متغیر ۲/۴۹ است که در حد متوسط است. داده‌ها در مورد سرمایه فراگروهی ساختاری، که میزان عضویت فرد در گروه‌ها و انجمن‌های داوطلبانه را می‌سنجد، نشان می‌دهد که میانگین در دامنه نمره ۰ تا ۵، ۰/۱۶ است که حد بسیار کمی را نشان می‌دهد. بر اساس این داده‌ها می‌توان نتیجه گرفت که افراد زیادی (۹۶/۳ درصد) اصلاً عضو هیچ گروه و انجمن غیردولتی و داوطلبانه‌ای نیستند و در فعالیت خاصی مشارکت ندارند. متغیر سرمایه فراگروهی شناختی میزان اعتماد به اصناف و مشاغل، اعتماد به نهادهای رسمی و سازمان‌های دولتی و اعتماد به عموم مردم را می‌سنجید. میانگین این متغیر نیز روی یک طیف ۰ تا ۵ عدد ۲/۸۹ را نشان می‌دهد که در حد متوسط است.

آزمون فرضیات

جهت بررسی و آزمون فرضیات اصلی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده کردیم و مشاهده شد که کل سرمایه اجتماعی خانواده با رضایت زناشویی زوجین همبستگی معناداری دارد. درحقیقت، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هرچه بر سرمایه اجتماعی فرد افزوده می‌شود رضایت زناشویی‌اش نیز افزایش پیدا می‌کند.

بررسی و آزمون سایر فرضیات نشان داد که چون ارزش پی^۱ به دست آمده در آزمون فرضیات مربوط به متغیرهای سرمایه درون‌گروهی شناختی، برون‌گروهی شناختی و فراگروهی شناختی کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده، بنابراین بین این متغیرها و رضایت زناشویی همبستگی معناداری مشاهده شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که هرچه این سرمایه‌ها افزایش یابند، بر رضایت زناشویی افراد نیز افزوده می‌شود. بدین معنی که هرچه زن و شوهر تعاملات بیشتر یعنی اعتماد بیشتر، صداقت، صمیمیت، تعهد، همکاری و تحمل انتقاد بیشتری نسبت به هم داشته باشند، اعتماد بیشتری به دیگران دور و نزدیک خود پیدا می‌کنند و می‌توانند به کمک‌های آن‌ها در زمان سختی امیدوار باشند، از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردار باشند و اصولاً به عموم مردم اعتماد کنند و از رضایت زناشویی بیشتری نیز بهره‌مند شوند. همچنین انواع سرمایه‌های ساختاری بجز سرمایه فراگروهی ساختاری با رضایت زناشویی همبستگی معناداری از خود نشان دادند. در حالی که ارزش پی در مورد متغیر سرمایه فراگروهی ساختاری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ بود و با رضایت زناشویی همبستگی نشان نداد. در واقع، عضویت و مشارکت فرد در گروه‌ها و انجمن‌های داوطلبانه در رضایت زناشویی نقشی نداشتند. نتایج تحقیق نشان داد که کمیت روابط افراد با هم (زوجین با یکدیگر)، زوجین با دیگران دور و نزدیک خارج از خانه مانند همسایه‌ها و افراد غریبه در رضایت زناشویی‌شان نقش دارد، در حالی که عضویت فرد در گروه‌ها و انجمن‌های داوطلبانه در رضایت همسران مؤثر نبود. به طور خلاصه، آزمون فرضیات این تحقیق نشان داد که کیفیت روابط زوجین با هم، با اقوام، فامیل، دوستان، همسایه‌ها و عموم مردم در میزان رضایت زناشویی آن‌ها مؤثر است. این نتیجه در مورد کمیت روابط زوجین با یکدیگر و اقوامشان نیز تکرار شد. بدین معنی که هرچه تکرار دیدارها و گفتگوها و تفریحات زوجین با یکدیگر بیشتر باشد، رضایت بیشتری نیز قابل مشاهده است. بر همین اساس، بین منزلت فرد در روابط قدرت خانواده و رضایت از همسر همبستگی وجود داشت. در واقع،

1 P- value

کسانی که در روابط قدرت در خانه منزلت بیشتری داشتند و اصولاً جایی که قدرت بین زن و شوهر مساوی تقسیم شده بود، افراد رضایت بیشتری از همسرشان ابراز کردند. در مورد متغیرهای زمینه‌ای نیز نتایج آزمون پیرسون نشان داد که سن زوجین و درآمد همسر با رضایت زناشویی همبستگی داشت، اما تعداد فرزندان، درآمد فرد، سن ازدواج فرد و سن ازدواج همسرش با رضایت‌مندی زناشویی همبستگی معناداری از خود نشان ندادند. احساس رضایت از زندگی نیز برحسب سطح معنی‌داری، که کوچک‌تر از ۰/۰۵ بود، با رضایت زناشویی فرد ارتباط داشت. یعنی هرچه فرد از درآمد، شغل، تحصیلات خود و اوضاع سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ایران رضایت بیشتری داشته باشد، رضایت بیشتری از همسرش نشان خواهد داد.

جدول ۲. خلاصه همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته برحسب ضریب همبستگی پیرسون

متغیرها	ضریب پیرسون	ارزش پی
سرمایه اجتماعی	۰/۵۲	۰/۰۱
سرمایه درون گروهی شناختی	۰/۷۶	۰/۰۰۰
سرمایه برون گروهی شناختی	۰/۲۰	۰/۰۰۰
سرمایه فرا گروهی شناختی	۰/۲۷	۰/۰۰۰
سرمایه درون گروهی ساختاری	۰/۲۴	۰/۰۰۰
سرمایه برون گروهی ساختاری	۰/۲۳	۰/۰۰۰
سرمایه فرا گروهی ساختاری	۰/۰۸	۰/۰۹
احساس رضایت از زندگی	۰/۴۴	۰/۰۰۰
منزلت فرد در خانواده	۰/۳۸	۰/۰۰۰
سن	۰/۱۶	۰/۰۲
سن ازدواج فرد	۰/۱۰	۰/۰۶
سن ازدواج همسر	-۰/۰۶۳	۰/۲۶
تعداد فرزندان	-۰/۰۰۱	۰/۹۸
درآمد	۰/۰۳۳	۰/۶۶
درآمد همسر	۰/۳۶	۰/۰۲

با استفاده از آزمون تی به مقایسه میانگین‌ها در متغیرهای دوگزینه‌ای پرداخته شد و نتایج نشان داد که میانگین رضایت زناشویی در زنان و مردان متفاوت است و اصولاً مردان از سازگاری بیشتری نسبت به زنان برخوردارند (۲/۸۶ به ۲/۵۷). در آزمون دیگری میانگین نمره سرمایه اجتماعی در زنان و مردان متفاوت نشان داده شد. به طوری که مردان از سرمایه

اجتماعی بیشتری نسبت به زنان برخوردار بودند (۲/۱۴ به ۲) و این تفاوت با توجه به نتیجه آزمون و p-value به دست آمده معنادار است.

جدول ۳. مقایسه رضایت زناشویی و سرمایه اجتماعی بر حسب جنسیت

گروه	متغیر	میانگین	آماره تی	مقدار پی	فراوانی
زن	رضایت زناشویی	۲/۵۷	۴/۷۶	۰/۰۱۵	۱۹۱
مرد		۲/۸۶			۱۹۱
زن	سرمایه اجتماعی	۲	۱/۰۹	۰/۰۰۰	۱۹۱
مرد		۲/۱۴			۱۹۱

بررسی میزان رضایت زناشویی در طبقات متغیرهای زمینه‌ای یکی دیگر از فرضیات تحقیق بود. برای بررسی این فرضیه از آزمون اف استفاده شد که میانگین متغیر وابسته را بین طبقات متغیر مستقل مورد مقایسه قرار می‌دهد. متغیرهایی که مورد مقایسه قرار گرفتند عبارت بودند از: تحصیلات فرد، تحصیلات همسر، وضع مسکن، وضع فعالیت، افراد همزیست، شغل، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و شیوه‌گزینش همسر. آماره لوین^۱ در آزمون آنوا^۲ به عدم برابری واریانس‌ها در برخی از متغیرها رأی داد. به این ترتیب کسانی که خود و همسرشان از تحصیلات بیشتری برخوردارند، شاغل‌اند، به مشاغل علمی، فنی و تخصصی مشغول‌اند، پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا و متوسطی دارند و خودشان همسرشان را انتخاب کرده‌اند از رضایت زناشویی بیشتری برخوردار بودند. اما تفاوتی در میانگین نمره رضایت زناشویی افرادی که با شوهر و فرزندان یا اعضای خانواده خود و همسرشان زندگی می‌کنند دیده نشد. همچنین تفاوتی در رضایت افرادی که خانه شخصی، سازمانی یا اجاره‌ای داشتند مشاهده نگردید.

1 Levene

2 ANOVA

بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و رضایت زناشویی در زوجین شهر کرمان

جدول ۴. مقایسه میانگین رضایت زناشویی برحسب متغیرهای زمینه‌ای

نام متغیر	نام مقوله	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار اف	سطح معنی‌داری
پایگاه اجتماعی	بالا	۱۳۱	۲/۴۵	۱/۰۲	۱/۰۶	۰/۰۳۴
	متوسط	۱۳۹	۲/۳۳	۰/۹۲		
	پایین	۱۱۲	۲/۲۷	۱		
وضع مسکن	شخصی	۱۹۵	۲/۵۰	۲/۵۰	۲/۰۹	۰/۱
	اجاره‌ای	۱۲	۲/۰۸	۱/۰۲		
	سازمانی	۱۵۴	۲/۲۷	۱/۰۲		
	سایر موارد	۱۵	۲/۲۴	۰/۵۷		
افراد همزیست	فقط با شوهر	۸۱	۲/۵۷	۰/۹۱	۰/۸۶	۰/۵۴
	باشوهر و فرزندان	۱۰	۲/۴۲	۰/۸۴		
	بازن و خانواده زن	۲۴۳	۲/۵۰	۰/۹۲		
	باشوهر و خانواده شوهر	۹	۱/۹۰	۰/۹۴		
	با خانواده شوهر و فرزندان	۲۳	۲/۳۲	۱		
تحصیلات	خواندن و نوشتن	۹	۲/۰۵	۰/۵۸	۲/۰۲	۰/۰۲
	ابتدایی	۱۶	۲/۲	۰/۹۴		
	سیکل	۵۶	۲/۳	۰/۷۷		
	دیپلم	۱۳۶	۲/۵	۱/۰۲		
	فوق دیپلم	۶۰	۲/۲	۱/۱		
	لیسانس	۸۸	۲/۶	۰/۵۶		
	فوق لیسانس به بالا	۱۵	۳/۰۶	۱		
تحصیلات همسر	خواندن و نوشتن	۹	۲/۲۰	۰/۷۲	۱/۴۷	۰/۰۲
	ابتدایی	۲۰	۲/۳۵	۰/۸۳		
	سیکل	۷۰	۲/۵۳	۱		
	دیپلم	۱۲۹	۲/۲۶	۱/۱		
	فوق دیپلم	۵۵	۲/۳۴	۰/۹۸		
	لیسانس	۷۸	۲/۶۹	۰/۸۰		
	فوق لیسانس و بالاتر	۱۹	۲/۶۷	۰/۸۲		
وضع فعالیت	شاغل	۲۱۰	۲/۴۲	۰/۹۸	۱/۷۱	۰/۰۰۰
	خانه دار	۱۵۱	۲/۳۱	۱		
	بیکار	۱۹	۲/۴۰	۰/۹۰		
شیوه گزینش همسر	انتخاب خود	۲۰۶	۳	۰/۶۶	۲/۸۸	۰/۰۳
	انتخاب والدین	۸۸	۲/۳۰	۰/۹۷		
	معرفی آشنایان	۵۲	۲/۳۵	۰/۹۸		
	سایر موارد	۵	۱/۱۲	۰/۵		

۰/۰۰۰	۱/۹۰	۰/۷۳	۲/۷۴	۸	مشاغل علمی و تخصصی	شغل
		۰/۴۶	۲/۵۷	۴	مدیران عالی رتبه اداری	
		۰/۷۴	۲/۶۶	۷	کارکنان اداری و دفتری	
		۱/۰۹	۲/۲۵	۷۲	کارکنان بازرگانی و فروشندگی	
		۱	۲/۱۱	۷۹	امور خدماتی	
		۰/۹۸	۲/۳۶	۱	کشاورزی و دامپروری	
		۰/۹۶	۲/۳۸	۲۴	تولید و حمل و نقل	
		۰/۹۹	۲/۴۰	۱۶۷	گروه‌های دیگر	

تحلیل رگرسیون

در پژوهش حاضر از آماره رگرسیون چندمتغیره به شیوه گام به گام استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیر سرمایه اجتماعی درون گروهی شناختی در مرحله اول، سرمایه برون گروهی شناختی در مرحله دوم و منزلت فرد در خانواده در مرحله سوم به ترتیب میزان اهمیتی که در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند وارد معادله رگرسیونی شده‌اند و سایر متغیرهای مستقل از معادله خارج و غیر مؤثر تلقی شدند. در مجموع این متغیرها توانستند ۰/۶۶ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند و توضیح دهند ($R^2 = 0/66$).

جدول ۵. متغیرهای مستقل درون معادله برای پیش‌بینی رضایت زناشویی

مرحله	متغیر	بی	بتا	مقدار تی	معناداری
اول	سرمایه درون گروهی شناختی	۰/۶۷	۰/۵۹	۱۵/۸۵	۰/۰۰۰
دوم	سرمایه برون گروهی شناختی	۰/۱۶	۰/۲۱	۵/۸۳	۰/۰۰۰
سوم	منزلت در خانواده	۰/۱۷	۰/۱۵	۴/۳۶	۰/۰۰۰

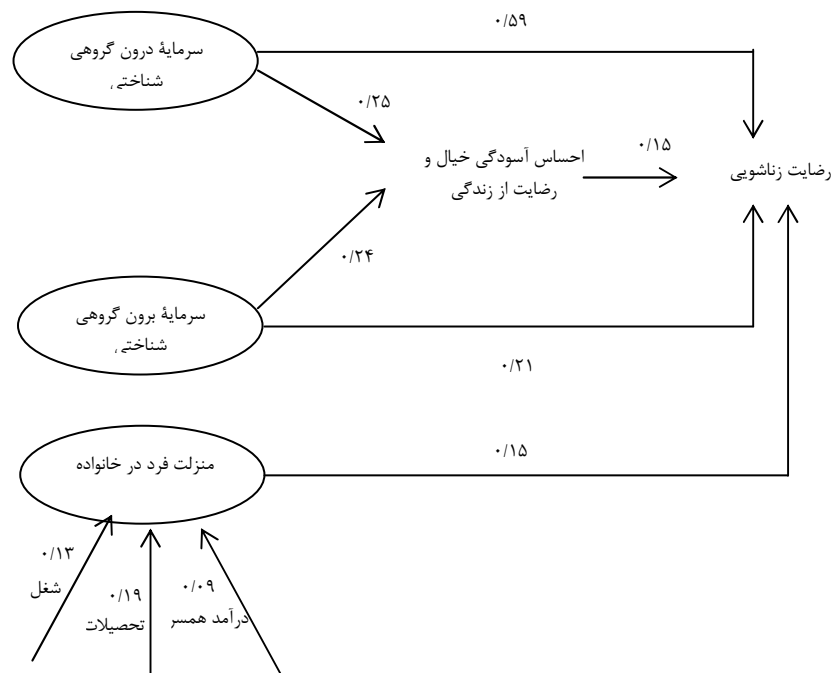
ضریب همبستگی (آر) = ۰/۸۱ ضریب تعیین (مجذور آر) = ۰/۶۶ ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۶۵

براساس داده‌های جدول ۵ (معادله رگرسیون چندمتغیره) سرمایه درون گروهی شناختی با بتای ۰/۵۹ بیشترین تاثیر را بر رضایت زناشویی دارد، سرمایه درون گروهی با بتای ۰/۲۱ و منزلت در خانواده با بتای ۰/۱۵ تاثیر کمتری بر رضایت زناشویی دارند.

تحلیل مسیر

تحلیل مسیر ابزاری است که ما را قادر می‌سازد میزان مناسب بودن و مقدار اثر هر متغیر را تعیین کنیم. مسیر تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر وابسته در این تحقیق و میزان اثر هر یک در تحلیل مسیر زیر آمده است.

نمودار ۱. تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته



تحلیل مسیر فوق طبق میزان بتای هر متغیر نشان می‌دهد که قوی‌ترین رابطه مربوط به سرمایه درون گروهی شناختی و ضعیف‌ترین رابطه مربوط به منزلت در خانواده است. بر این اساس سرمایه درون گروهی شناختی، برون گروهی شناختی و منزلت فرد در خانواده هم به طور مستقیم و هم غیرمستقیم بر رضایت زناشویی اثر می‌گذارند. نمودار فوق تأثیرات غیر مستقیم سایر متغیرها را بر رضایت زناشویی نیز نشان می‌دهد. با توجه به یافته‌های بالا سرمایه درون گروهی شناختی با بتای ۰/۲۵ و سرمایه برون گروهی شناختی با بتای ۰/۲۴ بر احساس آسودگی خیال و رضایت از زندگی فرد تأثیر می‌گذارند. احساس آسودگی خیال و رضایت از زندگی نیز با بتای ۰/۱۵ بر رضایت

زناشویی مؤثر است. از سوی دیگر، سه متغیر زمینه‌ای یعنی درآمد همسر، تحصیلات و شغل به ترتیب با بتای ۰/۱۹، ۰/۰۹ و ۰/۱۳ بر منزلت فرد در خانواده تأثیر می‌گذارند. منزلت فرد در خانواده نیز با بتای ۰/۱۳ به طور مستقیم در رضایت زناشویی نقش دارند. تحلیل مسیر حاضر تأییدکننده مدل تحلیلی پژوهش نیز هست که بر اساس آن سرمایه اجتماعی موجب احساس آسودگی خیال و رضایت از زندگی به طور کلی است و این رضایت، رضایت زناشویی را باعث می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه با تشدید جریان تجددگرایی، دگرگونی‌هایی در سرمایه اجتماعی خانواده ایرانی به وجود آمده است. نتایج پژوهش‌ها حاکی از تحول گسترده در مورد این خانواده در ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی از جمله اعتمادی، مشارکتی، حمایتی و ازهم‌گسیختگی گروه بزرگ خویشاوندی است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۳۲).

در برخی از پژوهش‌ها تفاوت نسل‌ها در علایق و انتظارات، تغییر در نحوه گذران اوقات فراغت از شیوه سنتی به مدرن، افزایش میزان استفاده از وسائل الکترونیکی مانند اینترنت و تلویزیون، کاهش زمان با هم بودن اعضای خانواده، کاهش فضای صمیمیت و نهایتاً کاستی اعتماد بین اعضا از جمله نشانه‌های کاهش سرمایه اجتماعی در خانواده ایرانی ذکر شده است. این کاستی سرمایه اجتماعی موجب کاهش سازگاری و رضایت زناشویی نیز شده است. افزایش نرخ طلاق در سال‌های اخیر گویای این واقعیت است. استان کرمان از نظر آمار طلاق، که حاکی از فقدان سرمایه اجتماعی زوجین است، در رده دهم در بین استان‌های کشور قرار دارد. وقوع ۱۰۰ مورد طلاق و ۳۵۰ مورد تقاضا برای جدایی در هر ماه کاستی سرمایه اجتماعی در خانواده‌های این استان را نشان می‌دهد. این موضوع برای استان کرمان که جزء چهار استان مذهبی کشور به شمار می‌رود آسیبی اجتماعی محسوب می‌شود. بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی میزان سرمایه اجتماعی بین زوجین و ارتباط آن با رضایت زناشویی‌شان در نظر گرفته شد. مقایسه سرمایه اجتماعی و رضایت زناشویی بین زنان و مردان، همچنین بررسی ارتباط بین متغیرهای زمینه‌ای مانند پایگاه اجتماعی، شغل و... با رضایت همسران از یکدیگر نیز از جمله اهداف دیگر این پژوهش بود. نتایج به دست آمده نشان داد که رابطه بین دو سازه سرمایه اجتماعی و رضایت همسران طبق آزمون پیرسون معنادار است. بدین معنا که هر اندازه افراد در خانواده و خارج از آن دارای سرمایه اجتماعی بالاتری بودند رضایتشان از زندگی زناشویی نیز وضعیت بهتری داشت و کمتر برای طلاق اقدام کرده بودند. بررسی و آزمون شش

فرضیه دیگر تحقیق نیز نشان داد که بین سرمایه درون‌گروهی شناختی، برون‌گروهی شناختی، فراگروهی شناختی و رضایت زناشویی همبستگی معناداری مشاهده می‌شود. بدین معنی که هرچه زنان و شوهران تعاملات بیشتر، اعتماد بیشتر، صداقت، صمیمیت، تعهد و همکاری و انتقادپذیری بیشتری نسبت به هم داشته باشند؛ همچنین هرچه اعتماد بیشتری نسبت به دیگران دور و نزدیک خود داشته باشند و بتوانند به کمک‌های آن‌ها در زمان سختی امیدوار باشند، از حمایت اجتماعی (مالی، اطلاعاتی، عملی و...) بیشتری برخوردار باشند، یا بتوانند به عموم مردم اعتماد کنند، از رضایت زناشویی افزون‌تری نیز بهره‌مند می‌شوند. همچنین درخصوص انواع سرمایه‌های ساختاری همه سرمایه‌ها بجز سرمایه فراگروهی ساختاری با رضایت زناشویی افراد همبستگی معناداری از خود نشان دادند. بدین معنی که هرچه افراد مدت زمان بیشتری را صرف گفتگو یا تفریح با یکدیگر می‌کردند و ارتباطاتشان با فامیل و اطرافیان بهتر بود، رضایت بیشتری هم از زندگی کردن با یکدیگر داشتند. اما میزان عضویت یا مشارکت افراد در انجمن‌ها و گروه‌های داوطلبانه در رضایتشان نقشی نداشت و یافته‌های پژوهش‌های گذشته در این زمینه تأیید نشد. در واقع، کمیت روابط افراد با هم (زوجین با یکدیگر)، زوجین با دیگران دور و نزدیک خارج از منزل مانند همسایه‌ها و افراد غریبه در رضایت زناشویی افراد نقش داشت. این نقش درخصوص کیفیت روابط افراد نیز به چشم می‌خورد. این نتیجه نتایج پژوهش‌ها و نظریه‌های پیشین را تأیید می‌کند.

در تحلیل رگرسیون نیز مشخص شد که کیفیت روابط زوجین با هم، با اقوام و فامیل، دوستان و همسایه‌ها و عموم مردم با شدت بیشتری از کمیت روابط زوجین با هم، با اقوام و فامیل، دوستان و همسایه‌ها و عموم مردم در رضایت زناشویی آن‌ها مؤثر بود و مانع طلاق یا اختلافشان می‌شد. نتایج پژوهش همچنین رابطه معناداری را بین منزلت فرد در خانواده (موقعیت فرد در روابط قدرت) و رضایت زناشویی او نشان داد. به این ترتیب، کسانی که در خانه منزلت بیشتری داشتند، یا قدرت بین زن و شوهر مساوی تقسیم شده بود، از زندگی زناشویی‌شان راضی‌تر بودند، زیرا احساس برابری و عزت نفس بالایی داشتند که می‌توانند در تصمیمات مهم زندگی نقش بارزی ایفا نمایند. این امر بر احساس خشنودی از همسر و خوشبختی در زندگی زناشویی می‌افزود.

در آزمون سایر فرضیات تحقیق نیز به بررسی میانگین سرمایه اجتماعی و رضایت بین زنان و مردان پرداخته شد که نتایج حاصل از آزمون تی نشان داد میانگین رضایت‌مندی در زنان و مردان متفاوت است و اصولاً مردان از رضایت بیشتری در این زمینه بهره‌مندند. مقایسه میانگین‌های سرمایه اجتماعی بین زنان و مردان نیز نشان می‌دهد که این میانگین‌ها با هم متفاوت‌اند و مردان از سرمایه بیشتری نسبت به زنان برخوردارند. پژوهش‌های گذشته نیز نشان می‌داد که مردان رضایت

زناشویی بالاتری دارند تا زنان. درحقیقت مردان از ازدواج نفع بیشتری می‌برند. سامان‌دادن به زندگی مرد توسط زن یکی از عوامل رضایتمندی بیشتر این جنس است و این عامل برای مرد سرمایه‌ای اجتماعی محسوب می‌شود که همیشه می‌تواند در زمان سختی یا استرس بر آن سرمایه تکیه کند. همچنین طبق پژوهش‌های گذشته، زنان بیشتر به حمایت‌های عاطفی همسر به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی امیدوارند و در صورتی که در این زمینه انتظاراتشان برآورده نشود از زندگی زناشویی‌شان ناراضی خواهند شد. پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد که زنان هم از سرمایه اجتماعی کمتر و هم از رضایت زناشویی پایین‌تری برخوردارند. همچنین نتایج آزمون آنوا نبرابری واریانس‌ها و میانگین‌ها را در همه متغیرها بجز افراد همزیست و وضع مسکن نشان داد. در واقع کسانی که خود و همسرشان از تحصیلات بیشتری برخوردارند، شاغل‌اند، به مشاغل علمی، فنی و تخصصی مشغول‌اند و به پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا یا متوسط تعلق دارند، در میانگین رضایت زناشویی نمره بالاتری را به خود اختصاص داده‌اند و اختلافات کمتری از خود نشان می‌دهند. اما تفاوتی در میانگین نمره رضایت افرادی که با شوهر و فرزندان یا اعضای خانواده خود و همسرشان زندگی می‌کنند دیده نشد. همچنین تفاوتی در میزان رضایتمندی افرادی که خانه شخصی، سازمانی یا اجاره‌ای داشتند مشاهده نشد.

در این پژوهش رابطه‌ای بین تعداد فرزندان، درآمد فرد، سن ازدواج فرد و همسرش و رضایتش از زندگی مشترک مشاهده نشد. اما همبستگی معناداری بین سن و درآمد همسر فرد با رضایت او قابل مشاهده بود. درحقیقت در زوج‌هایی که در سنین پایین ازدواج کرده بودند نارضایتی بیشتری دیده شد. به همین ترتیب کسانی که درآمد همسرشان بالا بود از زندگی زناشویی‌شان راضی‌تر بودند.

در تحقیق حاضر برای پیش‌بینی و تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل از تحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج این تحلیل که به شیوه گام به گام انجام شد نشان داد که در رضایت زوجین از زندگی‌شان متغیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی بیشترین تأثیر را دارد و پس از آن سرمایه برون‌گروهی شناختی و منزلت در خانواده در تبیین و پیش‌بینی رضایت زناشویی نقش عمده‌ای دارند. در واقع، این متغیرها به ترتیب میزان اهمیتی که در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند، وارد معادله رگرسیونی شدند و سایر متغیرهای مستقل از معادله خارج شدند. در مجموع، این متغیرها توانستند ۰/۶۶ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند و توضیح دهند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در رضایت همسران شهر کرمان از یکدیگر سرمایه‌های ساختاری (کمیت روابط اجتماعی) چندان نقشی ندارد و این رضایت بیشتر متأثر از متغیرهای سرمایه‌های شناختی

مانند درون‌گروهی شناختی و برون‌گروهی شناختی است. بدین معنی که راضی بودن و احساس خوشبختی زوجین بیشتر تحت تأثیر تعاملات زوجین با هم و میزان حمایت و کمک دریافتی از دیگران است تا میزان تماس‌های اجتماعی و ارتباطاتشان با افراد و گروه‌های خارج از خانواده و عضویت در گروه‌ها و نهادهای داوطلبانه. این نکته تأییدی بر نظریه‌های گذشته است، زیرا پاتنام معتقد است که مهم‌ترین شکل سرمایه اجتماعی، خانواده است (۲۰۰۰: ۷۲). بوردیو هم خانواده را مهم‌ترین مکان انباشت و انتقال سرمایه اجتماعی می‌بیند (۲۰۰۲: ۳۳). فوکویاما نیز ادعا کرد که خانواده‌ها به طور آشکاری در همه‌جا منابع مهم سرمایه اجتماعی هستند. همچنین کلمن بر این باور بود که انواع خاصی از ساختارهای اجتماعی بیش از سایرین انتخاب کنش‌های افراد را تسهیل می‌کنند. او تمایل داشت که خانواده را کلاف قدیمی سرمایه اجتماعی تصور کند. به بیانی اصولی‌تر، چارچوب نظری کلمن جایگاهی برتر به خانواده و آنچه سازمان اجتماعی بدوی می‌نامد می‌دهد.

از یافته‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که زندگی خانوادگی در شهر سنتی چون کرمان دستخوش تغییرات زیادی از جمله کاهش سرمایه اجتماعی شده است. اما زندگی در این ساختار جدید و متفاوت با گذشته، مستلزم روحیه اعتماد، حمایت (عاطفی، اجتماعی، مالی و عملی) خانواده از اعضایش، همکاری، صمیمیت و صداقت بیشتری است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که هر اندازه همسران در خانواده‌های شهر کرمان دارای سرمایه اجتماعی بیشتری باشند، به این معنی که سرمایه بین فردی به‌عنوان مجموعه‌ای از ذخایر ارزشمند مانند اعتماد متقابل، صمیمیت، احساس امنیت و آرامش، رضایت عاطفی، همکاری در نحوه تقسیم کار در خانه، توافق ارزشی، فداکاری و انتظارات متقابل برای افراد وجود داشته باشد و سرمایه برون‌گروهی به صورت منابعی چون اعتماد به اقوام، فامیل، دوستان و آشنایان، حمایت‌های اجتماعی، عملی و مالی و وجود شبکه‌های خویشاوندی و همچنین سرمایه فراگروهی شناختی به صورت اعتماد به عموم مردم و ارگان‌های دولتی و غیردولتی بیشتر باشد، رضایت زوجین در وضعیت بهتری قرار خواهد گرفت. در حقیقت اعتماد به عموم مردم و نهادهای دیگر موجب افزایش روحیه اعتماد در خانواده و بین زوجین نیز می‌شود و بر رضایتشان از یکدیگر می‌افزاید.

از سوی دیگر، در نظریه‌های رضایت زناشویی اشاره شده است که وقتی تنش بین همسران کاهش یابد، احساس رضامندی، شادمانی و خوشبختی زوجین افزایش می‌یابد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که احساس خوشبختی و رضایت در پی سازگاری و آرامش زوجین در خانه ایجاد می‌شود. مطالعات متعدد نشان می‌دهد که رضایت زناشویی به سازگاری کلی فرد کمک می‌کند، یعنی همسرانی که از رضایت زناشویی بیشتری برخوردارند، عزت نفس بیشتری دارند و در روابط

اجتماعی سازگارترند. رضایت زناشویی نتیجه فرآیند زناشویی و شامل عواملی مانند ابراز محبت و عشق همسران، احترام متقابل، روابط جنسی، تشابه نگرش و چگونگی ارتباط و حل مسئله است (ملازاده، ۱۳۸۱: ۱۴۶). افراد با احساس رضایت بالا هیجانانگیز مثبت را تجربه می‌کنند و از حوادث و وقایع پیرامون خود ارزیابی مثبتی دارند. در حالی که افراد با رضایت زناشویی پایین حوادث و وقایع زندگی‌شان را نامطلوب ارزیابی می‌کنند و بیشتر هیجانانگیز منفی نظیر اضطراب، افسردگی و خشم را تجربه می‌کنند. کلی (۱۹۹۲) و نولر (۱۹۹۷) با بررسی زوج‌های در حال طلاق به این نتیجه رسیدند که فقر روابط و گفتگو، عدم رضایت زناشویی و مشکلات عاطفی بروز طلاق را افزایش می‌دهد. پت و همکاران (۱۹۹۶) و یانگ و همکاران (۲۰۰۰) نیز دریافتند که روابط جنسی و ابراز محبت باعث بالارفتن رضایت زناشویی و در نتیجه بالارفتن شادکامی و احساس خوشبختی در افراد می‌شود. اسپانیر و لوئیس نیز در نظریه‌شان بیان کردند که ارتباط مثبت، توافق افراد بر سر مسائل زناشویی و ابراز محبت باعث می‌شود فرد، رضامندی و شادکامی بیشتری در روابط زناشویی خود داشته باشد (درویزه، ۱۳۸۷: ۹۴-۹۵). آنچه در روان‌شناسی باعنوان ارتباط مثبت بین همسران شناخته می‌شود، در جامعه‌شناسی سرمایه اجتماعی نام دارد. سرمایه‌ای که فرد به واسطه گستره و شدت روابطش با دیگران به دست می‌آورد و می‌تواند همیشه از بودن آن در آینده اطمینان خاطر داشته باشد. درحقیقت کنش‌ها و روابط مطلوب بین همسران پس‌اندازی است که روزی در آینده مفید فایده خواهد بود و طبق نظریه‌های نان لین این سرمایه در طولانی مدت موجب رضایت زناشویی افراد می‌شود. نتایج پژوهش حاضر نیز این نکته را تأیید می‌کند. بدین معنی که هرچه سرمایه اجتماعی بین همسران بیشتر باشد، از رضایت بیشتری در زندگی زناشویی‌شان نیز بهره‌مند خواهند بود. البته همسران زیادی در شهر کرمان وجود داشتند که از سرمایه درون‌گروهی ساختاری چندانی برخوردار نبودند، یعنی وقت چندانی را صرف گفتگو و تفریح با یکدیگر نمی‌کردند. این موضوع در شهری چون کرمان، که همچنان بافت فرهنگی سنتی دارد، نگران‌کننده است. به نظر می‌رسد تغییرات فرهنگی و اجتماعی به سرعت در این شهر در حال گسترش است و خانواده‌ها بیش از سایر نهادها این تغییرات را پذیرفته‌اند و وقت کمتری را صرف محبت، گفتگو و شناخت ویژگی‌های شخصیتی اعضایشان می‌کنند. این در حالی است که گفتگو پیش‌درآمد تفاهم است و کم‌شدن مشکلات زناشویی را به دنبال دارد. به دنبال یک گفتگوی سازنده زن و مرد انتظارات معقولی از یکدیگر پیدا می‌کنند و رضایتشان از زندگی با هم افزایش می‌یابد و در نهایت احساس خوشبختی فراهم می‌شود.

بر اساس نتایج این پژوهش سرمایه درون‌گروهی ساختاری به همراه سرمایه درون‌گروهی شناختی که اعتماد و اطمینان همسران به هم را تضمین می‌کند و سرمایه‌های فرهنگی مشابه

همسران، همچون سطح تحصیلات مشابه و طبقه و پایگاه اجتماعی یکسان زن و مرد نیز در رضایت از علایق، سلیقه‌ها، افکار و خواسته‌های آنان مؤثر است و می‌توان انتظار داشت که با فراهم کردن عوامل فوق می‌توان از بسیاری از نارضاقتی‌ها، ناسازگاری‌ها، اختلافات و در نهایت جدایی‌ها در شهر کرمان پیش‌گیری کرد.

راه‌کارها

- ۱- از آنجا که سرمایه اجتماعی در زوجین بیشتر منتج از تعاملات آن‌هاست تا عضویت و مشارکت در نهادها و سازمان‌های شهری داوطلبانه، پیشنهاد می‌شود که قبل از ازدواج مهارت‌های زندگی به همسران آموزش داده شود تا افراد از زندگی زناشویی‌شان رضایت بیشتری داشته باشند.
- ۲- یکی از متغیرهای تحقیق، منزلت فرد در روابط قدرت بود. یعنی اینکه فرد تا چه حد در حوزه قدرت، شیوه اعمال قدرت و ساختار قدرت نقش دارد. یافته‌ها و تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که منزلت هم در مورد مردان و هم زنان تبیین‌کننده رضایت زناشویی است. در واقع، اینکه فرد تا چه حد در این ساختار احساس قدرت می‌کند، می‌تواند بر رضایت زناشویی‌اش تأثیرگذار باشد. بنابراین، با ایجاد برابری در روابط قدرت در خانواده می‌توان منزلت افراد را بالا برد و بدین ترتیب احساس رضایتشان را افزایش داد.
- ۳- آگاه ساختن زوجین از نقش عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی بخصوص نقش سرمایه درون‌گروهی بین زوجین و برون‌گروهی یعنی حمایت اجتماعی اطرافیان از آن‌ها تعیین‌کننده رضایتشان است. به طور مثال، آگاهی زوجین از اینکه برابری در تقسیم کار خانگی یا همکاری و تعهد، اعتماد متقابل و نحوه کسب حمایت اجتماعی از دیگران دور و نزدیک چگونه می‌تواند در احساس رضایت و خوشبختی‌شان مؤثر باشد، می‌تواند به‌عنوان شیوه‌ای مؤثر در حفظ و آرامش نهاد خانواده و پیش‌گیری از آسیب‌هایی چون طلاق مورد استفاده قرار گیرد.
- ۴- تأثیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی، شغل، درآمد و تحصیلات در این پژوهش و سایر پژوهش‌ها به اثبات رسیده است. بنابراین، می‌توان با بالابردن سطح زندگی افراد، از جمله افزایش تحصیلات و درآمد، بر رضایت زناشویی آن‌ها افزود و آسایش خاطر و اطمینان خیال را برایشان به ارمغان آورد.
- ۵- به نظر می‌رسد در شهر کرمان سرمایه درون‌گروهی ساختاری یعنی مدت زمان حضور همسران در منزل برای هم، مدت گفتگو و زمان تفریح کردن همسران با یکدیگر نسبتاً کم است. یعنی روی

یک طیف بین ۰ تا ۵، میانگین عدد این نوع سرمایه اجتماعی ۲/۱۱ است. پیشنهاد می‌شود زوجین زمان بیشتری را با هم بگذرانند تا از سرمایه بیشتر و رضایتمندی بیشتری نیز برخوردار شوند.

۶- ایجاد مراکز مشاوره روان‌شناسی و خانوادگی زیر نظر متخصصان روان‌شناسی و مشاوره خانواده گامی مهم جهت سوق دادن زوجین به زندگی و رضایت زناشویی و نهایتاً آرامش خانواده است.

۷- از آنجا که سرمایه برون‌گروهی شناختی و اعتماد و حمایت اجتماعی دیگران نقش مهمی در تبیین رضایت زناشویی دارد، همچنین حمایت زوجین از دیگران دور و نزدیک رضایت خاطر خودشان را افزایش می‌دهد، از طرفی حمایت والدین، نزدیکان، دوستان و همسایه‌ها از زوجین نیز برای آن‌ها آسودگی خیال و آرامش فراهم می‌کند، بنابراین، ضرورت دارد که کارشناسان حوزه خانواده به این متغیر توجه ویژه‌ای داشته باشند.

منابع

- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، تهران: سمت.
- باستانی، سوسن (۱۳۸۶) «خانواده و حمایت اجتماعی»، سایت خبری آفتاب، www.Aftab.com
- توسلی، غلامعباس و مرضیه موسوی (۱۳۸۴) «مفهوم سرمایه اجتماعی در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۶: ۱-۳۲.
- درویزه، زهرا (۱۳۸۷) «بررسی رابطه سازگاری زناشویی و به‌زیستی روانی»، *مجله مطالعات زنان*، دانشگاه الزهراء، شماره ۱، سال ششم، ص: ۹۴-۹۵.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۷) «فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن»، *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۳: ۹۲-۱۲۵.
- شکریگی، عالیہ (۱۳۸۶) «مطالعه جامعه‌شناختی سرمایه اجتماعی خانواده ایرانی»، *سایت نشریه علمی و مستقل جامعه‌شناسی ایران*، www.sociologyofiran.com.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷) *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- کیوانلو، عباس (۱۳۸۶) «عوامل مؤثر بر رضایتمندی زناشویی»، *نخستین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ملازاده، جواد (۱۳۸۱) رابطه سازگاری زناشویی با عوامل شخصیت و سبک‌های مقابله‌ای در فرزندان شاهد: پایان‌نامه دکتر، دانشگاه تربیت مدرس.

وحیدا، فریدون، صمد کلاتری و ابوالقاسم فتحی (۱۳۸۳) «رابطه سرمایه اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان (مطالعه موردی ۱۱ دانشگاه دولتی شهر تهران)»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، شماره ۲: ۱۱۳-۱۱۵.

- Bodenman G. (1997) "The Influence of Stress and Coping on Close Relationship: A Two-Year Longitudinal Study", *Swiss Journal of Psychology*, 56: 156-67.
- Bolin, Kristian, Bjorn Lindgren, Martin Lindstorm, and Paul Nysted (2003) "Investments in Social Capital-Implications of Social Interactions for the Production of Health", *Journal of Social and Medicine*, 56 (12): 237-239.
- Bourdieu, p (1997) *Cultural Reproduction and Social Reproduction*, New York: Oxford University Press.
- Bradbury, Thamas N., Frank D, Fincham, and Steven R. H. Beach (2000) "Research on the Nature and Determinants of Marital satisfaction: A Decade in Interview", *Journal of Marriage and the Family*, 62 (4): 964-980.
- Coyne, James C. and Anita Delongis (1986) "Going Beyond Social Support: The Role of Social Relationships in Adaptation", *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 54 (4): 454-60.
- Flannery, Raymond B. Jr (1990) "Social support And Psychological Trauma: A Methodological Review", *Journal of Traumatic Stress*, 3 (4): 593-611.
- Harper, R., B. Schaaljie and Sandbery (2000) "Daily Relations, Intimacy and Marital Quality in Later Marriage" *American Journal of Family Therapy*, 28: 1-18.
- Lia, Gina (Forthcoming) "Marriage, Gender, and Social Capital", in *Social Capital: Advances in Research*, edited by N. Lin and B. H. Ericson, New York: Adline de Gryter.
- Lin, Nan and M. kristen Peek (1990) *Social Networks and Mental Health and Illness*, edited by A. Horwitze and T. L. Scheid, New York: Cambridge University Press.
- Lin, Nan, Alfred Dean and Walter Ensel (1986) *Social Support, Life Events and Depression*, Orlando Fl: Academic Press.
- Lin, Nan, Xiaolan. Ye, and Walter M.Ensel (1990) "Social Support and Depressed Mood: A Structural Analysis", *Journal of Health and Social Behavior*, 40: 334-59
- Lin, Nan Karen Cook, and Ronalds; Burt, editors (2001) *Capital: Theory and Research*, Howthorne, NY: Aldine de Grayter.
- Mc cbe, M (1997) "Intimacy and Quality of Life among Sex and Marital Dysfunctional Men and Women", *Journal of Sex and Marital Therapy*, 23:276-90.

- Obradon, Josip (2005) "Marital Partners .Income as a Determinant of Marriage Quality" Zagreb, February 1 ,Unpublished Paper.
- Parish, William L., Chonglin Shen ,and Chi- Siang Chang (1997) "Family Support Networks in the Chines Countries Country Side, Seminar Series No. 11, Hong Kong: Institute of Asia-Pacific Studies ,Chinese University of Hong Kong.
- Pearlin, Leonard I. (1989) "The Sociological Study Of Stress", *Journal of Health and Social Behavior*, 30 (September): 241-56.
- Ston, Wendy and Hughes Jody (2001) "Social Capital: Linking Family and Community?", Australia, Australian Institute of Family Studies.
- Stone, Wendy (2001) "Measuring Social Capital: Towards a Theoretically in Formed Measurement Framework for Researching Social Capital in Family and Community Life", Australian Institute of Family Studies, N24, Working Paper.
- Vannoy, D. and L. Cubbins (2001) "Relative Socioeconomic Status of Spouses, Gender Attitudes and Attributes of Quality Experienced by Couples in Metropolitan Moscow", *Journal of Comparative Family Studies*, 137: 195-217.
- Webber, Martin P. and Peter. J. Huxley (2007) "Measuring Access to Social Capital: The Validity and Reliability of the Resource Generator- UK and its Association with Mental Disorder", *Journal of Social Science and Medicine*, 65 (3): 481-492.
- Wright, John and Others (2001) "Family Social Capital and Delinquent Involvement", *Journal of Criminal Justice*, 29: 1-9.